

نبرد مجیدو (سده 15 ق.م) که در اساطیر دینی تحت نام نبرد هارمجدون، گذشته در آینده شده است

از گاهشمار تاریخ ایران و جهان

نبرد مجیدو (سده 15 ق.م) جنگی بود میان نیروهای مصری تحت فرماندهی فرعون توتمس سوم و یک ائتلاف کنعانی بزرگ تحت سرکردگی پادشاه کادش. این نخستین نبردی می باشد که با جزئیاتی قابل اطمینان به ثبت رسیده است. همچنین نخستین کاربرد ثبت شده از کمان و نخستین جسد شماری نیز در مجیدو (سرزمین پر میوه) و در این نبرد انجام گرفت. تمامی جزئیات این نبرد از منابع مصری به دست می آید - بطور عمده از نوشتارهای هیروگلیفی بر روی تالارهای سالنامه ها در نیایشگاه آمون در کارناک و تبس (اقصر امروزی).

این گزارش مصر باستان، تاریخ نبرد را 21مین روز از نخستین ماه سومین فصل از سال 23م دوران پادشاهی توتمس سوم، عنوان می کند. بنابراین ادعا، تاریخ این نبرد می بایست 16 آوریل 1457 ق.م میلاد باشد. دیگر انتشارات این نبرد را در سال های 1482 ق.م یا 1479 ق.م جا نهاده اند. نبرد مجیدو با پیروزی مصریان همراه بود و منجر به آشفتگی در نیروهای کنعانی شد، که بمنظور حفظ امنیت خود به درون شهر مجیدو گریختند. پسامد این اقدام ایشان، محاصره درازمدت شهر مجیدو بود.

با برقراری دوباره نفوذ مصر در شام، فرعون توتمس سوم دوران پادشاهی ای را آغاز نمود که در آن، امپراتوری مصر به بزرگترین گستره خود رسید.

شورش کنعان

در پایان دوران پادشاهی حتشپسوت، شهبانوی مصر، فرمانروایان محلی در همسایگی سوریه امروزی تلاش می کردند تا یوغ برتری مصر را براندازند. توتمس سوم، که در پی درگذشت نامادری اش حتشپسوت، پادشاه شد، مجبور بود که بی درنگ با این شورش درگیر شود.

کنعانیان با پادشاهی میتانی بر کرانه های فرات، متحد و همپیمان گشتند. نیروی اصلی و محرک در پشت این شورش، پادشاه کادش بود. استحکامات نیرومند کادش، امنیت او و شهر را نگاه می داشت. پادشاه مجیدو نیز با استحکامات توانمند برابری، به این اتحاد پیوست. اهمیت مجیدو همیشه در موقعیت جغرافیایی آن بود. این شهر در امتداد کناره جنوب باختری دره جزریل، درست آنسوی کوه کرمل و مدیترانه، واقع است. مجیدو از این موقعیت، بر مسیر تجاری اصلی میان مصر و میان دو رود نظارت داشت.

نبرد و محاصره

توتمس فرصت را دریافت. اردوگاهی برپا کرد و در طی شب، نیروهایش را در نزدیکی دشمن آراست. آنها، صبح روز بعد، حمله کردند. امکان نداشت که پادشاه شگفت زده کادش بتواند خطوط مقدم خویش را به موقع بازگرداند، و برای نبرد آماده گردد. حتی اگر این کار را هم می کرد اما کمک زیادی به وی نمی نمود. نیروهایش شورشی او روی زمین های بلند همجوار استحکامات شهر بودند. ارتش مصر با آرایشی شامل سه جناح سازماندهی می شد که هر دو جناح شورشیان را تهدید می کرد. فرعون، حمله را از مرکز آغاز کرد. ترکیبی از موقعیت و شمار، توانایی مانور عالی جناح چپ همراه با یک حمله جسورانه، اراده دشمن را در هم شکست؛ صفوف آنها بی درنگ از هم فروپاشید. آنها در نزدیکی شهر به درون آن گریخته، دروازه ها را پشت سر خود بستند.

سربازان مصری به غارت اردوگاه دشمن پرداختند. آنها در طی غارت، 924 ارابه و 200 دست زره را تصرف کردند. بدبختانه برای مصری ها، در طی این آشفتگی، نیروهای پراکنده شورشی، دربرگیرنده پادشاهان کادش و مجیدو، توانستند دوباره به مدافعان درون شهر بپیوندند و مدافعان، آنها را از دیوار شهر بالا کشیدند. بنابراین، فرصت تصرف سریع شهر، از دست رفت.

مصریان شهر را محاصره کردند. آنها نیروهایی را به سرتاسر سرزمین ها شورشی فرستادند؛ شهر مجیدو مدت هفت ماه محاصره را تحمل نمود و سرانجام، سقوط کرد.

ارتش فاتح، 340 اسیر، 2.041 مادیان، 191 کره اسب، 6 اسب نر، 924 ارابه، 200 دست زره، 502 کمان، 1.929 گاو، 22.500 گوسپند، و زره سلطنتی، ارابه و دیرک چادر پادشاه مجیدو را به میهن خویش برده، از شهر و شهروندان آن، چشم پوشیدند.

پیامدها

متصرفات مصر با این لشکرکشی گسترش یافت. همانگونه که پاول.ک.دیویس نوشته است: "با برقراری دوباره نفوذ مصر در فلسطین، توتمس پادشاهی ای را آغاز کرد که در آن، مصر به بزرگترین گستره خود بعنوان یک امپراتوری رسید." توتمس سوم از پادشاهان شکست خورده خواست تا هر یک، یکی از پسرانشان را به دربار مصر بفرستند. آنها در آنجا، آموزش مصری می دیدند و آنگاه که به میهن خویش بازمی گشتند، با همراهی مصر، به فرمانداری می پرداختند.

نبرد مجیدو	
	
نمای هوایی تپه مجیدو از شمال باختری	
تاریخ	به احتمال ۱۴۵۷ ق.م
موقعیت	مجیدو، اسرائیل
نتیجه	پیروزی مصر
طرفین جنگ	
مصر	کنعانیان
	کادش
	مجیدو
	میتانی
فرماندهان	
توتمس سوم	پادشاه کادش
نیرو	
۱۰.۰۰۰ نفر	نامعلوم، به احتمال کمتر از نیروهای مصری
تلفات و خسارات	
نامعلوم	۸۳ کشته،

این نبرد در اساطیر توراتی و انجیلی به صورت پیشگویی جنگ صاحبان ادیان معرفی شده و از اصل گذشته و واقعی خود بیگانه مانده است. نظریات روحانیان مسلمین را نیز که ساده لوحانه بدین باور پیشگویانه از آینده به مسیحیان گراییده اند از زبان یک مسیحی در اینجا به عینه از ماهنامه موعود نقل میگردد. با این توضیح که چنین ارجاع تاریخ

گذشته به روز بازپسین همچنین در مورد نبرد کارکمیش (که در اساطیر عهد اسلامی به نبرد موعدها در قرقیسیا تعبیر شده) پیش آمده است که در آن به موجودیت امپراطوری برده داران جبار آشوری پایان داده شد: از خود نام قرقیسیا بی شک همان دژ باستانی مستحکم کارکمیش (لفظاً یعنی شهر محل تنگاتنگ جمع شدن) مراد می باشد که آخرین جنگ منجر به نابودی آشور در آنجا در سال 605 قبل از میلاد بین سپاهیان بابلی تحت فرمان شاهزاده بخت النصر و لشکریان آشوری به فرماندهی آشور اوبالیت دوم و متحدان مصری ایشان در گرفت و متحدین آشوری و مصری شکست خورده و فراری شدند.

آیا واقعه آرمگدون پایان جهان است؟ (ماهنامه موعود)

۰۱ مرداد ۱۳۸۳

جرولد است

ترجمه: فاطمه شفیعی سروستانی

اشاره :

از آنجا که صحبت از موعود و آخرالزمان منحصر به اسلام و شیعه نیست و در دیگر ادیان و مکاتب از آن گفتگو بوده است. بنا داشته‌ایم با عنایت خداوند متعال در هر شماره بخشی از نظریات آنها را در مجله بیاوریم. الزاماً مطالبی که در این بخش منتشر می‌شود، از حیث محتوایی مورد تأیید ما نمی‌باشد و قصدمان تنها عرضه گزارشی از عقاید و آراء ایشان می‌باشد. در شماره‌های قبل به دجال (آنتی‌کریست) و برخی مصادیق آن پرداختیم و در این نوبت هم نگاهی به اوصاف آرمگدون در دیگر کتب آسمان خواهیم داشت.

نیروهای نظامی در محلی که کتاب مقدس آن را آرمگدون معرفی کرده است به هم می‌پیوندند. بعضی از علمای کتاب مقدس ادعا کرده‌اند که آرمگدون تمدن امروزی بشر را نابود می‌کند. بنابراین جای تعجب نیست که آرمگدون تجسم بدترین پایان جهان گردد.

معنی کلمه آرمگدون

کلمه آرمگدون از کلمه «مگیدو» (مجدو) که شهر مهمی در فلسطین قدیم بود ریشه گرفته است. بسیاری از محققان فکر می‌کنند که آرمگدون از «هرمجدون» به معنی «تپه مجدو» گرفته شده باشد. این ناحیه تاریخی غنی دارد. حفاری‌های انجام شده، بیست دوره اشغال، از تاریخ چهار هزار سال قبل از میلاد تا چهار صد و پنجاه سال قبل از میلاد مسیح (ع) را نشان می‌دهد. «مجدو» در 18 مایلی «بندر حيفا» در اسرائیل شمالی و 55 مایلی شمال بیت المقدس واقع است.

موقعیت استراتژیکی مگیدو (مجدو)، بیش از مساحتش به آن اهمیت بخشیده است. این منطقه مشرف بر کوه‌های اسرائیل شمالی است و به روستای «اسدارلون» نیز معروف است. در قدیم فلسطین شمالی به ویژه منطقه مگیدو به علت محافظت از شرقی‌ترین راه به «منطقه حاصل‌خیز» اهمیت نظامی داشت. جاده عبوری میان سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا که از مغرب به دریای مدیترانه و از مشرق به صحرائ عربستان می‌رسید تحت قلمرو کهن اسرائیل بود. این منطقه کوچک ارتباطی بین دریا و دشت، سرزمین استراتژیکی بود که سه قاره را به هم متصل می‌کرد. این پل باریک، منطقه‌ای آن‌چنان مهم بود که نظامیان دائماً بر سر به دست آوردن آن در حال جنگ بودند.

در گذشته قسمت‌هایی از قلمرو اسرائیل گذرگاه‌های مهم نظامی به حساب می‌آمد و می‌گدو از یکی از این گذرگاه‌ها محافظت می‌کرد. تاکنون بیش از 200 جنگ در این منطقه یا اطراف آن رخ داده است. به همین خاطر یکی از محققین آن را «سرزمین جنگ قرون» نامیده است.

آینده مگیدو یا آرمگدون چیست؟ آیا کتاب مقدس چیزی درباره این سرزمین حیاتی و استراتژیکی بیان کرده است؟

پیشگویی آرمگدون

اگر چه در کتاب مکاشفات یوحنا به آرمگدون اشاره شده اما چیزی در باره اینکه نیروهای نظامی به هم پیوسته در منطقه به یکدیگر حمله می‌کنند بیان نگردیده است. لیکن ذکر شده که این نیروها در دشت مگیدو جمع شده و از این منطقه هموار و وسیع به عنوان پهنه‌ای جهت آماده شدن برای حمله بزرگ استفاده می‌کنند. سؤال این است چه کسانی در آنجا جمع می‌شوند و چه کسی آنها را جمع می‌کند و بالاخره اینکه و برای چه هدفی در آنجا جمع می‌شوند؟

به نظر می‌رسد این افراد از چند گروه سیاسی و مذهبی باشند: «پادشاه جهان - شیطان - پادشاه کل عالم خدا» و «پادشاهی از شرق رود فرات». شایان ذکر است کلمه «پادشاه» لزوماً به شکل امروزی آن به رهبران اطلاق نمی‌شود. بلکه ممکن است از آنها به عنوان رئیس جمهور، نخست وزیر یا رئیس یاد شده باشد.

در تاریخ، بسیاری از ملت‌ها به هم پیوسته‌اند تا از قدرت «چهار پای» نیرومندی که در کتاب مکاشفات به آن اشاره شده حمایت کنند. خداوند قدرت عظیم این اتحاد را به حیوانی که به وسیله نیروهای غیر خدایی هدایت می‌شود تشبیه کرده است.

در کتاب مقدس آمده کسانی که این اتحاد را تشکیل می‌دهند «از يك ذهنند و قدرت و فرمانروایی خود را به چهارپا خواهند داد.»

کتاب مقدس ذکر کرده است که آنها ارواحی هستند که معجزاتی را ظاهر می‌سازند و بر پادشاه تمام ربع مسکون خروج می‌کنند تا آنها را برای جنگ عظیم آن روز فراهم آورند.

سؤال این است که چرا نیروهای نظامی در آرمگدون جمع می‌شوند؟ از قرار معلوم این نیروهای نظامی بدین‌منظور در خاورمیانه جمع می‌شوند که نشان دهند چه کسی کنترل جهان را در دست خواهد گرفت.

هر چند به جای نبرد با یکدیگر شروع به جنگ علیه عیسی مسیح می‌کنند!

ما تا به حال در مورد افرادی که شجاعت این را داشته باشند تا به جنگ در مقابل خدا بروند، فکر نکرده‌ایم. معمولاً انسان‌ها با یکدیگر می‌جنگند. اما کتاب مقدس آشکار می‌سازد که در واقع مردم سعی خواهند کرد تا با عیسی مسیح جنگ کنند در این زمان پایانی، دیکتاتورها و عوام فریب‌ها برای فرمانروایی بر جهان طمع می‌کنند و امید دارند که در مقابل نیروهای عظیم و سلاح‌های کشنده آنها پیروز شوند. سلاح‌هایی آنچنان قدرتمند که قادرند زندگی را نابود کنند. تنها خداوند است که می‌داند اگر عیسی مسیح (ع) را نفرستد تا در امور انسان‌ها مداخله بکند «هیچ موجود زنده‌ای نجات نخواهد یافت».

شیطان و آرمگدون

پشت صحنه، رهبر قدرتمند دیگری وجود دارد که نقش برجسته‌ای را در گروه نیروهای نظامی در آرمگدون ایفا می‌کند. «خدای این عصر» تمام ملت‌ها را فریب می‌دهد. هدف او به عنوان دشمن انسان‌ها فریب و نابودی نسل انسان است.

به نظر می‌رسد لشکریان انبوهی که در پایان زمان گرد هم می‌آیند وسیله‌ای برای رسیدن وی به هدفش هستند.

اما چیزی که ملت‌ها نمی‌دانند آن است که خداوند به شیطان فرصت داده تا رهبران متکبر جهان را بفریبد؛ زیرا که فکر می‌کنند با این جنگ قادر خواهند بود کنترل جهان را به دست گیرند.

طبق آیات کتاب مقدس خداوند خود با آن ملت‌های فریب خورده که کمرشان از ویرانی خم شده وارد جنگ خواهد شد. خداوند ثابت خواهد کرد که خود قادر مطلق است نه شیطان و نه کسانی که او آنها را فریب می‌دهد و خداوند به انسان اجازه نخواهد داد تا خود را کاملاً نابود کند.

با این مقدمه زمانی که می‌خوانیم: سپاهیان چگونه در «جنگ عظیم آن روز خدای قادر مطلق» گرد می‌آیند، هدف آرمگدون آشکار می‌شود.

زکریای نبی نیز این زمان بحرانی را این چنین توصیف می‌کند: «نظاره کنید! روز خداوند فرا می‌رسد... و خداوند

بیرون آمده با آن قوم‌ها جنگ خواهد نمود. چنان‌که در روز جنگ جنگید و در آن روز پاهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد.

نیروهای نظامی گرد هم می‌آیند

تفسیر کتاب مقدس فرضیه دیگری را در باره آرمگدون روشن می‌کند و تعجب‌آور است که چرا هیچ کس مشتق شدن مگدون را از منظر دوم در نظر نگرفته است. یعنی از کلمه عبری «گاداد» که به معنی «جمع شدن دسته یا گروه سربازان است. در زبان عبری با اضافه کردن حرف «ما» به فعل اسم ساخته می‌شود. بنابراین «ماگد» که به معنی محلی برای جمع شدن گروه سربازان است ساخته می‌شود و پسوند «و» به معنی «برای او (مذکر)». در نتیجه «محلی از آن او» که گروه سربازان در آن جمع می‌شوند.

در کتاب یونیل نبی خداوند این فرمانروایان و تدارکاتشان را برای تهاجم و جنگ مجسم می‌کند. چنانکه می‌گوید: «این را در میان اقوام اعلام کنید (جار زنید)، برای جنگ آماده شوید! مردان نیرومند را پیدا کنید، بگذارید تمام مردان جنگی بیرون آیند. بگذارید تا به اورشلیم بیایند. گاو آهن‌های خود را در مقابل شمشیرها و اره‌های خود در مقابل نیزه‌ها خرد کنید. بگذارید ضعیف بگویند من قوی هستم».

پیشگویی فوق اشاره می‌کند که رهبران در جایی که امکانات ساختن ابزار آلات کشاورزی را به ساختن تسلیحات و جنگ افزار تغییر می‌دهند دست از تولیدات خود بر می‌دارند.

سپاهیان در حالی که تمام اطراف دشت را اشغال کرده‌اند در آرمگدون جمع شده و به پیشروی خود به دیگر مناطق سرزمین مقدس ادامه می‌دهند. اما جنگ واقعی 55 مایل پایین‌تر از مگدون، در اطراف اورشلیم رخ خواهد داد.

در واقع جنگ بزرگ بیش‌تر از يك سئیزه نیست. خدا اجازه خواهد داد تا سپاهیان در آرمگدون جمع شوند ولی در پایان تردیدی وجود نخواهد داشت که خود حکومت خواهد کرد. با اجازه دادن به شیطان و مزدوران او و رهبران فریب خورده برای به حرکت درآوردن ملت‌ها برای جنگ با او (خدا)، به آن لشکریان که مانع حکمرانی عیسی (ع) بر اورشلیم خواهند شد، اجازه خواهد داد که فقط در جنگ با او نابود شوند. بنابراین، آرمگدون نشانه جنگی بزرگ، نه میان ملت‌های نیرومند و اتحادهای نظامی بلکه میان نیروهای خیر و شر است. جنگ نظامی در اورشلیم و اطراف آن در خواهد گرفت.

جنگ به هم پیوسته است:

کتاب مقدس توضیح می‌دهد که زمان تزلزل زمین به عنوان «روز خدا» اتفاق می‌افتد. زمانی که در طول آن، در امور انسان مداخله خواهد شد تا به سرکشی او بر علیه خدا پایان دهد.

در ادامه پیشگویی ذکر شده، در کتاب یونیل نبی خداوند می‌فرماید: «اجازه دهید ملت‌ها بیدار شوند و به (اورشلیم) به روستای ژهوت بیایند. در آنجا من برای دآوری میان همه اقوام اطراف خواهم نشست. داس را پیش آورید؛ زیرا که حاصل رسیده است. بیایید، پایمال کنید؛ زیرا که خمره‌های شراب لبریز شده‌اند، زیرا که شرارت شما عظیم است. جماعت‌ها، جماعت‌ها! در وادی قضاوت؛ زیرا روز خداوند در وادی قضا نزدیک است.

عیسی مسیح (ع) در بازگشت خویش با بیان لشکریان روبرو خواهد شد. و از دهانش شمشیری بیرون خواهد آمد که با آن امت‌ها را می‌زند... او خود خمره شراب خشم خدای قادر مطلق را، زیر پا لگد می‌کند (مکاشفه 15:19). پرندگان جمع می‌شوند تا به افرادی که با عیسی مسیح (ع) جنگیدند غذا دهند.

ظاهراً کشتار محدود به منطقه اطراف اورشلیم نخواهد بود. مکاشفه 20: 14 اشاره می‌کند که پیشروی آن تا حدود 200 مایل ادامه می‌یابد.

آرمگدون، مقدمه صلح

عیسی مسیح (ع) سرانجام به عنوان منجی انسان‌ها شناخته خواهد شد. او پادشاه پادشاهان است. بشر بیهودگی طغیان بر ضد خدا را درک خواهد کرد. ملاکی نبی در باره قدرت عظیم خدا صحبت کرده است: «زیرا که از مطلع آفتاب، تا

مغربش، نام من در میان امت‌ها عظیم خواهد بود» .

در پایان خداوند به عنوان بزرگترین حکمران بشر شناخته می‌شود. در کتاب بقرنتیان اشاره شده هزاران سال است که شیطان - خدای این عصر - با وجود پیشگویی خدا مبنی بر اجرای برنامه خود برای انسان که زمین را برای او خلق کرده، خود را به عنوان خدای انسان‌ها جا زده است .

اکثر پیامبران ذکر کرده‌اند، زمانی که این اتفاق می‌افتد انسان از صلحی بی‌سابقه و کامیابی بی‌نظیر بر روی زمین لذت خواهد برد. این صلح از هزاران سال قبل به انسان وعده داده شده است .

آرماگدون در حالی که نشانه نابودی نیروهای شیطان است، مقدمه‌ای برای رستگاری انسان می‌باشد. این اتفاق با پایان سوء داوران انسان همراه است. در آرماگدون است که انسان‌های حریص و فریبکار در مکانی مشخص جمع می‌شوند تا مسیح (ع) بتواند به مصیبت‌هایی که آنها برای انسان‌ها ایجاد کرده‌اند پایان دهد.

آرماگدون خیر از پایان ترس، درد، ویرانی و مرگ نابهنگام می‌دهد، متأسفانه راه دیگری برای انسان وجود ندارد تا درسش را بیاموزد. خدا بالاخره باید در امور انسان دخالت کند تا صلح را در این جهان جاری سازد .

طبق سخنان دانیال نبی حضرت عیسی سیستم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی و مذهبی این جهان را عوض می‌کند و جهانی بر مبنای راه و روش خدا بنا می‌کند .

علایم روز اصلاح، نشان می‌دهد که مسیح شیطان را اسیر می‌کند و مانع از تأثیر گذاری او بر انسان می‌شود .

روز بزرگ آخر، حاکی از زمانی است که تمام افرادی که خدای واقعی را نشناختند، زنده می‌شوند تا حقیقت او را درک کنند و فرصت رستگاری را به دست آورند .

آرماگدون پایان جهان نیست بلکه مکانی برای جمع شدن سپاهیان عظیم است و محلی است که خداوند رهبران فریب خورده را برای شکست در جنگی حتمی با خود در اورشلیم فرا می‌خواند.

فراتر از نابودی انسان‌ها، آرماگدون نوید هزار سال صلح و کامیابی برای همه است. انسان به زندگی خود ادامه خواهد داد و آرماگدون حکومت مسیح (ع) را به عنوان حاکم زمین و تمام ملت‌ها نوید می‌دهد، زمین در زیر پادشاهی خدا در صلح غوطه ور می‌گردد.

ماهنامه موعود سال ششم _ شماره 32

پی‌نوشت‌ها :

1. Megiddo .
2. Haifa .
3. Esdrealon .
4. Fertile crescent .
5. ممکن است منظور نویسنده سفیانی باشد که در منابع اسلامی به آن اشاره شده است. (مترجم).
6. توسط يك نفر رهبري مي‌شوند (يعني شيطان).
7. (مکاشفات 1311: 17).
8. مکاشفات 13: 16-16.
9. متی 22: 24.
10. رساله دوم بقرنتیان 4-4.
11. مکاشفات 9-12.
12. رساله اول پطرس 508.
13. اشعیا 17 و 12: 14.
14. کتاب زکریا 3-14: 1.
15. انجیل متی 22-24.
16. زکریا 4-14: 1.

- 17 . 9-10 : 3 .
18 . اشعيا 9 و 6:13 و 12:2 .
19 . زكريا 1:14 .
20 . Jehoshapat .
21 . يونس 12:3-14 آن را با مكاشفات 15:14-19 مقايسه كنيد .
22 . شايد منظور از پرندگان، هواپيما باشد . مترجم .
23 . مكاشفه 16:19 و 14:17 .
24 . ملاكي نبي 11:1 .
25 . رساله دوم بقرنتيان 44 و 4:11 .
26 . تيمورتاوس 2 ، 9:1 ، تيتوس 2:1 ، اشعيا 10-11:1 .
27 . مكاشفات 19 ، زكريا 14 ، يوييل 3 .
28 . دانيال 44:2-45 .
29 . مكاشفات 4-5 : 20 ، اشعيا 1-11 .
30 . مكاشفات 11-12 : 20 .